

بگویند که شهرداری بر حکم وظیفه که مجبور است به درمانده ها سرپناه بدهد و جنازه های بی صاحب را تا مرحله دفن سرپرستی نماید، به حمایت از تیم ادامه می دهد پس چرا این کار را از همان اول فصل انجام ندادند و فقط در هفته های اخیر به فکر افتادند؟ آیا در این کار و معرفی برخی ها به عنوان منجی فوتبال اردبیل و قهرمان بی رقیب مدیریت در فوتبال برنامه ریزی شده بود؟ راستی اداره کل ورزش در این میان چه کاره بوده و هست؟ آیا نمی توانست کمکی به خروج از بن بست بکند؟

هنوز امیدها برای ماندن این تیم در دسته دوم از بین نرفته است. کم رنگ شده است ولی کاملا نمی توان قطع امید کرد. می توان کاری کرد به شرط آنکه همه اقدامات با صداقت و به دور از هرگونه انحصار طلبی و خودنمایی باشد.

آنهایی که در مقاطع مختلف در شروع فصل شعار دادند و وعده کردند ، خود بهتر از همه می دانستند که وعده هایشان نمی تواند عملی بشود. چرا که برای تیم کار اصولی انجام نشده بود. چرا که دهها دایه مهربان تر از مادر در کنار خود احساس می کرد . چرا که دست های پشت پرده به کار خود مشغول بودند و مسلما بدون کار و برنامه ریزی اصولی نمی توان موفقیت را شاهد شد.

هر که دانه نفشانند به زمستان در خاک ناامیدی بود از دخل به تابستانش

نمی دانم شاید روزی فرا برسد که ناگفتنی های این تیم توسط آنهایی که در جریان کامل آن بوده اند به اطلاع افکار عمومی رسانده شود و نقش افراد و دست های پشت پرده با ذکر نام آنها اعلام گردد تا بدینوسیله قدرتمندان توانا، کارآمد و تاثیر گذار فوتبال اردبیل به جامعه شناسانده شوند .

**مردم باید بعد از روشن شدن واقعیت ها قدر آن بزرگواران را بدانند
و برای سلامتی شان هورا بکشند.**

**خوش بود گر محک تجربه آید به میان
تا سیه روی شود هر که در آن غش باشد**